ویژه

نماینده ایران در سازمان ملل متحد: دنبال جنگ نیستیم

امیرسعید ایروانی سفیر و نماینده دائم ایران در سازمان ملل اعلام کرد: جمهوری اسلامی ایران به‌دنبال جنگ یا تشدید تنش در منطقه نیست، اما کاملاً آماده است تا از حاکمیت و تمامیت ارضی خود در برابر هرگونه تجاوز که منافع حیاتی و امنیت آن را هدف قرار دهد، دفاع کند. امیرسعید ایروانی سفیر و نماینده دائم ایران در سازمان ملل عصر پنجشنبه به وقت محلی در نشست شورای امنیت درباره لبنان گفت: ایران به‌طور قطع از حق ذاتی خود برای دفاع مشروع، کاملاً مطابق با حقوق بین‌الملل، استفاده خواهد کرد و شورای امنیت را از پاسخ قانونی خود مطلع خواهد کرد.دیپلمات ارشد جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل تصریح کرد: لبنان در آستانه فروپاشی انسانی قرار دارد و جامعه بین‌المللی نباید اجازه دهد که این فاجعه بدتر شود. ضروری است که کمک‌های بشردوستانه بدون مانع به لبنان برسد یابد. جامعه بین‌المللی باید فوراً حمایت مالی و لجستیکی لازم را فراهم کند تا اطمینان حاصل شود که لوازم ضروری به جمعیت‌های آسیب‌دیده می‌رسد. ایروانی خطاب به شورای ۱۵ عضوی امنیت سازمان ملل گفت: اعتبار این شورا در معرض خطر است. جمهوری اسلامی ایران خواستار اقدام و آتش‌بس فوری است. آتش‌بس یک درخواست نیست، بلکه یک ضرورت است. علاوه بر این، جمهوری اسلامی ایران از شورای امنیت می‌خواهد که رژیم اسرائیل را به‌خاطر ارتکاب چنین جنگ نسل‌کشی و جنایات علیه مردم لبنان و فلسطین پاسخگو کند.

رویداد

مخالفت کابینه امنیتی رژیم صهیونیستی برای حمله به ایران

رسانه‌های رژیم صهیونیستی از مخالفت کابینه امنیتی (جنگ) این رژیم با حمله به ایران در پاسخ به عملیات وعده صادق ۲ خبر دادند.

شبکه الجزیره قطر به نقل از شبکه رژیم ۱۳صهیونیستی گزارش داد که نشست شب گذشته اعضای کابینه امنیتی رژیم اسرائیل در خصوص انجام حمله هوایی به ایران در حالی پایان یافت که اعضا به این حمله رای ندادند.

شبکه ۱۳ رژیم صهیونیستی به نقل از یک منبع امنیتی رژیم صهیونیستی افزود: کابینه امنیتی در خصوص پاسخ به حمله موشکی ایران رای نداد و تصویب آن را تا نزدیک شدن به زمان اجرا به تعویق انداخت.

پیشتر برخی از رسانه‌ها به نقل از مقامات رژیم صهیونیستی از حمله هوایی قریب الوقوع این رژیم به اهدافی در خاک ایران خبر داده بودند.

در همین حال، پایگاه خبری صهیونیستی «واللا» در گزارشی مدعی کاهش اختلاف «جو بایدن» رئیس جمهور آمریکا و «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی درباره حمله احتمالی به ایران شد.

این پایگاه خبری صهیونیستی در گزارش خود به نقل از مسوولان آمریکایی و اسرائیلی ادعا کرد: نتانیاهو و بایدن تا حدودی درباره چگونگی پاسخ (رژیم) اسرائیل به ایران با هم به تفاهم رسیده‌اند. واللا مدعی شد: اختلافات واشنگتن و تل آویو در این باره کاهش یافته ولی این تفاهم همچنان کمتر از انتظار آمریکا است. این پایگاه صهیونیستی افزود: مشورت‌ها درباره پاسخ اسرائیل به ایران امروز نیز ادامه یافت و همچنان ادامه خواهد داشت. رژیم صهیونیستی تهدید کرده است که در پاسخ به عملیات موشکی ایران به سرزمین‌های اشغالی که در چارچوب حق دفاع مشروع و براساس قوانین بین‌المللی انجام گرفت، اهدافی را در ایران هدف قرار خواهد داد. این در حالی است که ایران عملیات وعده صادق ۲ را براساس حق دفاع مشروع و در پاسخ به ترور دکتر اسماعیل هنیه رئیس جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) در تهران و همچنین ترور سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان در ضاحیه بیروت انجام داد.

دیپلماتیک

تحلیل لاوروف از حفظ رویکرد برنامه اتمی ایران

وزیر امور خارجه روسیه گفت: بر اساس ارزیابی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، هیچ نشانه‌ای از تلاش ایران برای انتقال برنامه صلح آمیز هسته‌ای خود به یک مسیر نظامی وجود ندارد.

به گزارش ریانووستی، سرگئی لاوروف روز جمعه در کنفرانس مطبوعاتی پس از شرکت در نوزدهمین نشست سران آسیا-اقیانوسیه در حاشیه اجلاس اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا (آ. سه. آن) در وینتیان، پایتخت لائوس افزود: تقریباً در همه کشورها، سیاستمداران و نمایندگان مجلس وجود دارند که موضعی را بیان می‌کنند که منعکس‌کننده راهبرد عملی و خط دولت‌های آنها نیست. وی خاطرنشان کرد: با توجه به وضعیت واقعی امور، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که برنامه هسته‌ای ایران را از نزدیک رصد می‌کند، هیچ نشانه‌ای مبنی بر اینکه ایران شروع به انتقال برنامه هسته‌ای خود به کانال نظامی کرده است، نمی‌بینند. وزیر امور خارجه روسیه گفت: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به طور مستمر، گزارش‌هایی از این دست را به شورای حکام ارائه می‌کند، اما البته اگر طرح‌ها یا تهدیدات مربوط به حمله به تاسیسات صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران اجرا شود، این یک اقدام تحریک‌کننده بسیار جدی خواهد بود.

بشردوستانه

اعتراض ایران به حمله اسرائیل علیه بیمارستان صحرایی ایران

اسماعیل بقائی سخنگوی وزارت امور خارجه ایران حمله رژیم صهیونیستی به بیمارستان صحرایی هلال احمر جمهوری اسلامی ایران در منطقه مرزی سوریه و لبنان را به عنوان مصداق کامل جنایت جنگی توصیف و به شدت محکوم کرد. بقائی با یادآوری ممنوعیت حمله به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و بهداشتی طبق قوانین شناخته شده حقوق بشردوستانه بین‌المللی، حملات مکرر رژیم اشغالگر به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و امدادی در غزه، لبنان و سوریه را نشانه روشنی از طغیان این رژیم علیه همه قواعد و هنجارهای بین‌المللی دانست و خواستار واکنش صریح نهادهای ذیصلاح بین‌المللی از جمله کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و محکومیت اقدام رژیم صهیونیستی به عنوان جنایت جنگی شد. سخنگوی وزارت امور خارجه ایران همچنین با اشاره به ضرورت بسیج جامعه جهانی برای کمک به صدها هزار لبنانی که طی دو هفته اخیر به دلیل تشدید حملات رژیم صهیونیستی به مناطق غیرنظامی لبنان از خانه و کاشانه خود آواره شده‌اند، بر مسئولیت سازمان ملل متحد و سایر نهادهای بین‌المللی ذیربط به ویژه کمیساریای عالی پناهندگان و صلیب سرخ برای کمک رسانی فوری به آوارگان تاکید کرد. به گزارش ایرنا، رئیس جمعیت هلال احمر ایران از حمله رژیم صهیونیستی به بیمارستان صحرایی ۵۶ تخت‌خوابی این جمعیت در مرز سوریه و لبنان خبر داد و تاکید کرد: این اقدام رژیم اشغالگر صهیونیستی، نقض صریح قوانین بین‌الملل حقوق بشردوستانه در ممنوعیت حمله به مراکز درمانی و امدادی است و از طریق مجامع بین‌المللی در صدد شکایت از رژیم اشغالگر هستیم. پیرحسین کولیوند با اعلام خبر حمله رژیم صهیونیستی به بیمارستان صحرایی هلال‌احمر ایران در مرز سوریه و لبنان و در آتش سوختن این بیمارستان، افزود: جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو فعال و پیشروی نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر و در راستای اهداف انسان‌دوستانه خود به منظور کاهش آلام بشری آوارگان و غیرنظامیان آسیب‌دیده از حملات ددمنشانه رژیم صهیونیستی علیه کشور لبنان اقدام به برپایی بیمارستان صحرایی ۵۶ تخت‌خوابی در مرز کشور سوریه کرد که متاسفانه این بیمارستان به همراه انبار دارویی آن شب گذشته مورخ ۹ اکتبر با حملات رژیم اشغالگر صهیونیستی به طور کامل در آتش سوخت.

«مردم سالاری» بررسی می‌کند

فراسوی جنگ ایران و اسرائیل

سجاد عابدی

استراتژی تهدید نظامی رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی به عنوان تهدیدی بزرگ علیه اسرائیل، دو موضوع را برای این رژیم ضمانت می‌نماید.

از آن‌جا که به‌دست آوردن آمادگی لازم برای مقابله با هر تهدیدی به طور طبیعی متضمن صرف هزینه‌های قابل توجه است، تلقی هر امر موهوم به مثابه تهدید استراتژیک، صرف نابه‌جای منابع و در نتیجه صدمه‌پذیری جدی در مقابل تهدیداتی را که شناخت دقیق و واقع‌بینانه عواملی که موجودیت، امنیت و منافع حیاتی هر کشوری را مورد تهدید قرار می‌دهند از اولویت اساسی برخوردار است. این دسته از تهدیدات که به دلیل گستردگی و عمق پیامدهای آنها به تهدیدات استراتژیک معروفند به راحتی می‌توانند بر سر راه حرکت عمومی یک جامعه به سوی پیشرفت و توسعه موانع جدی ایجاد کنند یا اساسا موجودیت و هویت یک کشور را در معرض تهدید قرار دهند. استراتژی کلان امنیتی اسرائیل علی‌رغم تغییر در ساختار جامعه اسرائیل، ماهیت اختلاف‌های اعراب و اسرائیل و ساختار نظام بین‌الملل، از ابتدای تشکیل این رژیم تغییر چندانی نکرده است.

رژیم صهیونیستی اقدامات تهاجمی مانند جنگ پیشگیرانه، عملیات پیش دستانه و ترور مخالفان، برقراری رابطه با کشورهای پیرامون جهان عرب در قالب «دکترین پیرامونی»، سیاست بازدارندگی و به ویژه بازدارندگی هسته‌ای و برخورداری از حمایت همه جانبه ابرقدرتی همچون آمریکا برای پیشبرد اهداف توسعه‌طلبانه‌اش را در زمره اصلی‌ترین محورهای سیاست امنیت ملی خود قرار داده است.

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر با اهمیت یافتن مقوله تروریسم در محیط بین‌الملل، فرصت مناسبی برای رژیم اشغالگر قدس به وجود آمد تا پشت سر آمریکا و تحت لوای مبارزه با تروریسم به اهداف دیرینه‌اش در مقابله با دشمنان خود دست یابد. روند سیاست‌های اسرائیل نشان می‌دهد که سیاست‌های این رژیم در این دوران، سیاست‌هایی کاملا افراطی و تجاوزطلبانه بوده است. برخورد شدید با انتفاضه الاقصی، محاصره سیاسی اقتصادی غزه، جنگ‌های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه، حمله به کاروان آزادی، افزایش شهرک‌سازی و سیاست افزایش تقابل با ایران را می‌توان از اصلی‌ترین نشانه‌های این سیاست افراط‌گرایانه اسرائیل دانست. سیاست‌هایی که در بعد منطقه‌ای از یک سو باعث امنیتی‌تر شدن منطقه و برهم خوردن نظم و آرامش در خاورمیانه و از سوی دیگر باعث به حاشیه رفتن کامل روند صلح شده است. اما در بعد دیگر پیامد این سیاست‌ها متوجه خود این رژیم بوده و باعث افزایش تنش با هم‌پیمانان استراتژیک منطقه‌ای همچون ترکیه شده، همچنین در عرصه داخلی باعث زوال این رژیم و بحران‌های متعدد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شده که عمدتا متأثر از دو جنگ ۲۲ روزه و ۳۳ روزه می‌باشد.

در عرصه جهانی نیز روز به روز بر انزوای جهانی و کاهش مقبولیت این رژیم به ویژه در نزد افکار عمومی جهان افزوده شده است. انقلاب‌ها موجب تحول در رفتار خارجی کشورها می‌شود و براین اساس مجموعه‌ای از تصورات، انتظارات و مناسبات بین‌المللی را شکل می‌دهند به طوری که پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز منابع هویتی نقش موثری در جهت‌گیری سیاست خارجی ایران در قبال اسرائیل داشته است. در این راستا زبان سیاست خارجی ایران بسیار اهمیت دارد زیرا در چارچوب تفسیری برآمده از واژگان و دلالت‌های معنایی آنهاست که واقعیت برساخته و به کنش با آن پرداخته می‌شود.

در گفتمان امنیتی یک مساله بزرگ جلوه داده می‌شود و به منزله بالاترین اولویت عرضه می‌شود و با اطلاق واژه امنیت بر آن، دولت ادعا میکند برای برخورد با آن نیاز و حق به کارگیری ابزارهای فرامعمولی دارد، رژیم اسرائیل نیز از همین تاکتیک تاکنون علیه دشمنانش بهره گرفته است. به طور سنتی تهدید نظامی در کانون نگرش کشورها قرار دارد.

اهمیت تهدیدهای نظامی در آن است که این تهدیدها می‌تواند امنیت و بقای کشورها را به طور اساسی به مخاطره اندازد. تهدیدات نظامی اسرائیل هم می‌تواند عامل مهمی در تهدید امنیت ملی ایران قلمداد شود. آنچه مسلم است انگیزه اصلی دولت اسرائیل از افزایش قدرت نظامی‌اش با حمایت آمریکا، ترس دائمی و احساس ناامنی است. علت عمده این تهدید نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران ناشی از تقابل ایدئولوژیکی و فکری است که باید عنوان نمود این تقابل دائمی است. براین اساس جنگ بین ایران و اسرائیل و خصومت آنها با هم، در حقیقت جنگ بین دو آرمانگرایی متعارض است. مسئله بسیار مهمی که نقش تهدیدهای نظامی اسرائیل را به شدت افزایش می‌دهد، تسلیحات هسته‌ای رژیم صهیونیستی است.

مقام‌های اسرائیل بر این عقیده و باور بوده و هستند که در شرایط حاکم بر خاورمیانه، تنها راه بقای آنان، برتری مطلق تسلیحاتی، مخصوصا در حوزه تسلیحات هسته‌ای است. اهمیت برتری نظامی اسرائیل از حیث تهدید نظامی از این واقعیت نشأت می‌گیرد که اسرائیل کاملا آمادگی استفاده از این تسلیحات را در شرایط بحرانی داراست، از سوی دیگر یکی از اهداف اصلی بازدارندگی هسته‌ای اسرائیل ایران است. در اسرائیل راهبرد امنیت ملی و راهبرد نظامی یکسان و همسان بوده است به گونه‌ای که ارتش و نظامیان ابزارها و اهداف ملی و امنیت ملی اسرائیل را تعریف و تبیین نموده‌اند. این بدین معناست که مهمترین ابزار تامین امنیت اسرائیل، قدرت نظامی و جنگی بوده است و منابع و عناصر دیگر در گفتمان امنیت ملی اسرائیل نقش و کاربرد درجه دو و ابزاری داشته‌اند.

به این ترتیب رژیم اسرائیل با طرح این مساله که ایران به عنوان یک تهدید وجودی علیه این رژیم تلقی می‌شود، در پی آن است تا افزایش نقش و قدرت منطقه‌ای ایران را غیر سازنده، توسعه‌طلبانه و تهاجمی جلوه دهد و بدین وسیله آن را تهدیدی برای منافع آمریکا و هم پیمانان منطقه‌ای آن در نظر گرفته که از هر راه ممکن، از جمله زور و حمله نظامی باید مانع آن شد.

این سیاست از دو جهت برای اسرائیل مفید است نخست، اینکه توجیهی برای ادامه کمک‌های آمریکا به اسرائیل است. دوم، به پیشبرد صلح اسرائیل با فلسطینیان از موضع قدرت و برتری یاری می‌رساند. برنامه اسرائیل در مقابل ایران، موازنه و محدود کردن می‌باشد. بدین معنا که با تکیه بر توانایی‌های خود در درجه اول در پی ایجاد بازدارندگی است. گفتمان سیاست خارجی خاورمیانه‌ای اسرائیل مبتنی بر سیاست‌های امنیتی، خشن، جنگطلبانه و توسعه طلبانه می‌باشد.

استراتژی تهدید نظامی اسرائیل علیه ایران به عنوان تهدیدی بزرگ علیه اسرائیل، دو موضوع را برای این رژیم ضمانت می‌نماید:

۱- اسرائیل همچنان خط قرمز آمریکا محسوب می‌شود و آمریکا حق غنی‌سازی اورانیوم در خاک ایران را مورد تأیید قرار نمی‌دهد.

۲- حفظ روند در اولویت قرار گرفتن مساله هسته‌ای ایران در دستور کار مجامع بین‌المللی. در پایان باید اذعان کرد استراتژی تهدید نظامی اسرائیل، یک سیاست واکنشی برای کنترل، محدود کردن و ایجاد بازدارندگی در مقابل افزایش قدرت منطقه‌ای و نقش سازنده ایران می‌باشد که موجب شده است که انحصار دسترسی اسرائیل به جنگ افزار هسته‌ای به پرسش کشیده شود و سیاست مبهم هسته‌ای این رژیم بیشتر مورد سوال و توجه دولت‌ها قرار گیرد که مجموع اینها جایگاه اسرائیل را در خاورمیانه تنزل داده است.

به علاوه علی‌رغم سعی اسرائیل در نشان دادن ایران به عنوان تهدیدی بزرگ، به تدریج مواضع اصولی ایران به عنوان یک کشور که در واقع خواستار صلح حقیقی می‌باشد برای افکار عمومی و مجامع سیاسی جهان روشن‌تر شده است.

این موضوع میتواند شگل‌گیری گفتمان صلح‌آمیز از سوی ایران در برابر گفتمان‌های جنگ طلبانه و تخاصم آمیز اسرائیل و حامیانش تلقی گردد. پس از رگبار موشکی و پهپادی تلافی‌جویانه ایران و پاسخ اسرائیل، در این نمایش عجیب و غریب از قدرت نظامی، توپ در زمین ایران است. نشانه‌های اولیه حاکی از آن است که ایران ممکن است دست کم فعلا این مورد را رها کند. اگر چنین باشد، هم آمریکا و هم منطقه نفس راحتی می‌کشند.

با این حال، متاسفانه، دور از تصور است که این مهلت زیاد ماندگار باشد. اسرائیل احتمالا همچنان به حمله به عوامل ایرانی در خارج از کشور نیاز خواهد داشت تا بتواند جریان حمایت مادی و استراتژیک ایران از نیروهای محور مقاومت را مختل یا حتی قطع کند. تا زمانی که حمایت از نیروهای نیابتی ادامه یابد و این گروه‌ها همچنان درگیر نزاع با اسرائیل باشند، نیاز عملیاتی به چنین حملاتی وجود دارد و باقی خواهد ماند.

اگر درگیری متعارف در حال جوشش، دلیل کافی برای هدایت اقدام نظامی اسرائیل در برابر ایران نباشد، پس دلیل بزرگ‌تری در افق وجود دارد: برنامه هسته‌ای ایران. از زمان فروپاشی برنامه جامع اقدام مشترک – که به عنوان توافق هسته‌ای ایران نیز شناخته می‌شود – تهران به نقطه گریز هسته‌ای نزدیک‌تر شده است. سیاستمداران اسرائیل مدت‌هاست که نگران این هستند که حتی اگر ایران از سلاح‌های هسته‌ای برای حمله مستقیم به اسرائیل استفاده نکند، ایران دارای سلاح هسته‌ای جسارت بیشتری برای حمایت از نیروهای محور مقاومت در منطقه خواهد داشت. برای بسیاری از اسرائیلی‌ها، حمله آخر ایران تنها چنین ترس‌هایی را تقویت کرده است.

از دیدگاه خود اسرائیلی‌ها، آنها باید به حملات خود به اهداف ایرانی ادامه دهند، حتی اگر انگیزه‌های مشکوک سیاسی، تفکر بازدارندگی مبهم یا احساسات خام و ساده را کنار بزنیم. تا زمانی که اسرائیل و ایران درگیر نزاع هستند، به ضربات متقابل خود ادامه خواهند داد؛ مهم نیست که ایالات متحده و سایر متحدان به اسرائیل توصیه کنند تا از تشدید تنش جلوگیری کند. در نهایت، اگر ایالات متحده و اروپا بخواهند شانس یک جنگ منطقه‌ای در خاورمیانه را از بین ببرند، باید کاری در مورد برنامه هسته‌ای انجام دهند. در غیراین صورت، درگیری ادامه خواهد یافت.

کنایه عراقچی درباره بی‌عملی اروپا

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران گفت: من امیدوارم که اروپا نقش فعال‌تری برای توقف تنش‌ها داشته باشد. آنها می‌گویند «ما ابزار کافی نداریم»، اما من اینطور فکر نمی‌کنم.

سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه با شبکه ایتالیایی Tg۳ در پاسخ به این سوال که آیا آمریکا به اسرائیل برای پاسخ به حمله موشکی ایران چراغ سبز نشان داده و آیا حمله احتمالی از سوی ایران تلافی خواهد شد گفت: این چیز جدیدی نیست، اسرائیلی‌ها همیشه از آنها چراغ سبز داشته اند. هر کنشی، واکنشی خواهد داشت، این یک قانون فیزیک است، بنابراین ما قطعا به هر اقدام اسرائیل با قدرت و قوت بیشتری پاسخ خواهیم داد. وی تاکید کرد: ۷ اکتبر در خلاء رخ نداد، این یک داستان یک داستان هشتاد ساله است؛ حالا به واکنش اسرائیل نگاه کنیم: شما گفتید ۱۲۰۰ نفر در اسرائیل کشته شدند. آیا این موضوع به آنها حق کشتن ۴۲۰۰۰ نفر را می‌دهد؟ اکنون جامعه بین‌المللی باید برای جلوگیری از این امر تلاش کند. عراقچی ادامه داد: این ایران نیست که باعث تشدید تنش شده است. ما از جنگ هراسی نداریم اما خواهان آن نیستیم. رئیس دستگاه دیپلماسی کشورمان خاطرنشان کرد: من امیدوارم که اروپا نقش فعال تری برای توقف تنش‌ها داشته باشد. آنها گفتند «ما ابزار کافی نداریم»، اما من اینطور فکر نمی‌کنم.

نگرانی بورل درباره تنش‌های خاورمیانه

جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا حمله رژیم صهیونیستی به نیروهای صلح بان سازمان ملل در مرز لبنان با اراضی اشغالی را شدیدا محکوم کرد.

بورل در حساب خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت، «خط دیگری در لبنان به طور خطرناکی شکسته شد؛ ارتش اسرائیل نیروهای حافظ صلح سازمان ملل که مواضعشان کاملا مشخص است را گلوله باران کرد.»وی افزود، ما این اقدام غیرقابل قبول که هیچ توجیهی ندارد را محکوم می‌کنیم.

یک منبع آگاه در نیروهای حافظ صلح سازمان ملل مستقر در لبنان (یونیفل) روز گذشته در گفت‌وگو با شبکه الجزیره تأیید کرد که نظامیان اسرائیلی به‌سوی ۳ مقر این نیروها در جنوب لبنان آتش گشوده‌اند. در این حمله، ۲ نیروی یونیفل در یکی از مقرها دچار جراحت شده‌اند.

ابراز نگرانی آمریکا از حمله رژیم صهیونیستی به نیروهای سازمان مللسخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید در واکنش به حمله رژیم صهیونیستی به نیروهای صلح بان سازمان ملل در مرز لبنان تاکید کرد که ایالات متحده عمیقاً از این موضوع نگران است و به اسرائیل برای ارائه جزئیات درباره این حادثه فشار می‌آورد.

اذعان آمریکا به خودداری ایران از ساخت بمب اتم

مقام آمریکایی در گفت‌وگو با خبرگزاری رویترز اعلام کردند: واشنگتن همچنان معتقد است که با وجود تحولات اخیر در خاورمیانه، ایران تصمیمی برای ساخت سلاح هسته‌ای نگرفته است.

این اظهارات که از سوی یکی از مقامات ارشد دولت جو بایدن و دفتر مدیر اطلاعات ملی (ODNI) آمریکا مطرح شده، به علاوه اظهارات علنی اوایل هفته جاری است که ویلیام برنز رئیس سازمان سیا گفته بود.

ویلیام برنز در اوایل هفته جاری گفته بود که هیچ شواهدی در دست نیست که ایران قصد تغییر در برنامه هسته‌ای خود به سمت برنامه‌های نظامی را داشته باشد.

سخنگوی دفتر اطلاعات ملی با اشاره به بیانات آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی به رویترز گفت: «ارزیابی ما این است که ایران هنوز تصمیم به ادامه برنامه نظامی هسته‌ای خود که آن را از سال ۲۰۰۳ تعلیق کرده است، نگرفته است.»

ارزیابی اطلاعاتی می‌تواند به توضیح مخالفت آمریکا با هرگونه حمله رژیم صهیونیستی به تاسیسات هسته‌ای ایران در تلافی حمله موشکی بالستیکی که تهران هفته گذشته به سرزمین‌های اشغالی انجام داد، کمک کند.

جو بایدن رئیس جمهور آمریکا پیشتر اعلام کرده بود که دولت او از هر تلاشی برای حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران توسط اسرائیل حمایت نمی‌کند اما توضیح نداده بود که چرا دولت او به این نتیجه رسیده است. اظهارات بایدن باعث انتقاد شدید جمهوری‌خواهان از جمله دونالد ترامپ رئیس جمهور سابق این کشور شده بود. رویترز مدعی شد که مقامات آمریکایی اذعان دارند که هرگونه تلاشی برای نابودی برنامه تسلیحات هسته‌ای ایران ممکن است تنها تلاش‌های این کشور را برای ساخت این تسلیحات به تاخیر بیاندازد و حتی می‌تواند عزم تهران را برای انجام این کار تقویت کند.

این در حالی است که هیچ گونه شواهدی وجود ندارد که دولت ایران طی سال‌های گذشته تلاشی برای طراحی یا ساخت تسلیحات هسته‌ای کرده باشد و تمامی فعالیت‌های هسته‌ای ایران نیز تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است.

نگاه

روزهای پر حادثه‌ای در پیش است

محمد علی مهتدی

با حمله وحشیانه به حومه جنوبی بیروت، رژیم صهیونیستی از همه خطوط قرمز عبور کرد. اینک لبنان و منطقه وارد مرحله جدیدی شده است با معادلاتی جدید. محور مقاومت نیز در پاسخ به جنایات رژیم اسرائیل، ممکن است بسیاری از خطوط قرمزی که خود را مقید به رعایت آن می‌دانست، نادیده بگیرد.

کلمه «ضاحیه» که این روزها زیاد در اخبار به کار می‌رود، یک اسم خاص نیست بلکه در زبان عربی به معنی «حومه» هر پایتخت یا هر شهر بزرگ است. در دهه‌های پنجاه و شصت قرن میلادی گذشته، تعداد زیادی از فقرای مناطق شیعه نشین در جنوب و شرق لبنان، به دنبال کاربه بیروت می‌آمدند و در حومه جنوبی و جنوب شرقی پایتخت سکونت اختیار می کردند.

در نتیجه، نیم دایره ای از خانه‌های محقر در حومه به وجود آمد که سالیان دراز از آن به عنوان «کمربند فقر» یاد می‌شد. با ظهور امام موسی صدر و نیز پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، اوضاع جامعه تشیع لبنان بهبود یافت و خانه‌های محقر جای خود را به ساختمان‌های بلند مرتبه داد البته با خیابان‌ها و کوچه‌های تنگ و مملو از جمعیت. بخشی از این حومه در جنوب شرقی بیروت محله ای است به نام «حارهٔ حرَیک» که اکثر دفاتر مقاومت اسلامی حزب الله و خانه‌های مسؤولان مقاومت در آن قرار دارد. ارتش صهیونیستی در جنگ ژوئیه ۲۰۰۶ موسوم به جنگ ۳۳ روزه، ساختمان‌های حارهٔ حریک را با خاک یکسان کرد.

اما پس از جنگ، این ویرانی‌ها با کمک جمهوری اسلامی ایران و نیز متمولین شیعه در خارج و در شیخ نشین‌های خلیج فارس باز سازی شد. همین ساختمان‌ها در همین منطقه است که پریشب و دیروز مورد حمله هواپیماها و نیروی دریائی ارتش صهیونیسستی قرار گرفت. آنها به بهانه ترور سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله، تعدادی از ساختمان‌های هشت یا ده طبقه را بر سر ساکنان آن فرو ریختند و جمعیت ساکن همه شب و روز را در خیابان‌ها سپری کردند. تعداد شهدا و زخمی‌ها بسیار زیاد است.

اجساد زیادی زیر آوار قرار دارد که به دلیل ادامه حملات وحشیانه رژیم، عملیات برداشتن آوار به کندی صورت می گیرد.

بدیهی است که بحث در باره حزب الله بعد از سید حسن بحث ساده ای نیست. اما آنچه اکنون می‌توان گفت این است که شهادت سید حسن ضربه سختی نه فقط بر حزب الله بلکه بر کل محور مقاومت محسوب می‌شود. با این حال، خود سید بارها تاکید کرده که حزب الله در هیچ رده ای به شخص وابسته نیست و حتی سناریوی عملیاتی مقاومت پس از شهادت خود سید نیز از پیش ترسیم شده است که اکنون اجرا خواهد شد.

هدف اعلام شده رژیم از عملیات وحشیانه یک هفته اخیر، خاموش کردن جبهه لبنان و بازگرداندن حدود ۲۵۰ هزار آواره صهیونیست به شهرک‌های منطقه جلیل در شمال فلسطین اشغال شده است. برای عملی کردن این هدف، دو راهکار به نظر می‌رسد: نخست آنکه جامعه تشیع لبنان زیر فشار این بمباران‌ها و دادن تلفات سنگین به حمایت از مقاومت پایان دهد و مقاومت را وادار به توقف عملیات کند و در نتیجه به طرح‌های پیشنهادی فرستادگان آمریکا و فرانسه مبنی بر قطع ارتباط جنوب لبنان با نوار غزه تن دهد.

راهکار دوم می‌تواند این باشد که ریختن انبوه آتش بخصوص روی شهرها و روستاها و حتی کوه‌ها و درّه‌ها در سراسر جنوب لبنان که اینک عملا از جمعیت خالی شده به مثابه آتش تهیه برای آغاز عملیات زمینی و اشغال جنوب لبنان تا رودخانه لیتانی در فاصله ۳۰ کیلومتری مرز و در نتیجه ایجاد یک نوار امنیتی یا منطقه حائل بین مقاومت و منطقه جلیل باشد. در این صورت، رژیم صهیونیستی می‌تواند خواستار مقایضه بین بازگشت ساکنان آواره جنوب لبنان با بازگشت صهیونیست‌های آواره به منطقه جلیل شود. واقعیت این است که این محاسبات ناشی از جهل و حماقت تصمیمگیران در رژیم صهیونیستی است و به دلائل زیر هیچ امکانی برای عملی شدن ندارد:

۱- گزارش‌ها و بررسی‌های انجام گرفته نشان می‌دهد که محیط دربرگیرنده مقاومت نه فقط رویگردان نشده بلکه بیش از پیش چسبندگی خود به مقاومت را افزایش داده و خواهان ادامه و تشدید عملیات انتقامجویانه علیه رژیم صهیونیستی است. مردمی که حسینی و عاشورائی فکر می‌کنند و زندگی خود را بر این اساس پی ریزی کرده اند، برای رژیم قابل درک و پیش بینی نیستند. اگر قبلا مقاومت قضیه جامعه تشیع بود اینک، پس از انفجار پیجرها و بمباران سراسر لبنان، نه فقط تزلزلی در محیط دربرگیرنده مقاومت پدید نیامده بلکه مقاومت تبدیل به یک قضیه ملی شده شده است.

۲- ایجاد منطقه حائل به عمق ۳۰ کیلومتر مربوط به شرایط میدانی دهه ۷۰ قرن میلادی گذشته است که بُرد توپخانه ۱۳۰ میلیمتری حداکثر ۳۰ کیلومتر بود. اما در عصر کنونی با ورود موشک‌های دوربُرد و بالستیک به میدان، اندیشیدن به ایجاد منطقه حائل ۳۰ کیلومتری تا رودخانه لیتانی در جنوب لبنان مضحک و احمقانه به نظر می‌رسد.

۳- در جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶ معروف به جنگ ۳۳ روزه، ارتش صهیونیستی با ریختن انبوه آتش، جنوب لبنان را تبدیل به سرزمین سوخته کرد. با این وجود، نیروی زمینی و بهترین واحد آن یعنی واحد تکاورگولانی نتوانستند وارد زمین شوند. آنها طی ۳۳ روز با دادن تلفات سنگین و از دست دادند تعداد بیشماری تانک، نفربر و بالگرد، توانستند تنها چهار کیلومتر در زمین پیشروی کنند که سرانجام با صدور قطعنامه ۱۷۰۱ و آتش بس، با سرافکندگی عقب نشینی کردند. اکنون پس از ۱۸ سال که مقاومت بسیار قوی تر از گذشته است، آنها با ارتشی خسته، افسرده و بدون روحیه و انگیزه چطور می‌خواهند وارد زمین در جنوب لبنان شوند.

و اما راهبرد مقاومت، تا پیش از حمله اخیر به حومه بیروت، عملیات فرسایشی به هدف تضعیف رژیم در درون و بر اساس یک معادله عمل متقابل بوده است. یعنی منطقه جلیل در مقابل جنوب لبنان؛ شهر حیفا و دیگر شهرهای اطراف در مقابل حومه بیروت؛ و سرانجام پایتخت در برابر پایتخت. از نظر نظامی، ارتش صهیونیستی از دو امکان برتر برخوردار است:

نخست نیروی هوائی بویژه جنگنده‌های اف. ۳۵ و دیگر امکانات اطلاعاتی بویژه در جنگ الکترونیک. در مقابل ، حزب الله پایگاه‌های نیروی هوائی و ایستگاه‌ها و دکل‌های جنگ الکترونیک دشمن را هدف قرار می‌دهد از جمله مهمترین پایگاه هوائی رژیم موسوم به « رامات دیوید» را منهدم کرده است.

دامنه عملیات را نیز در روزهای اخیر گسترش داده و به شهرهای صفد، طبریه و حیفا رسانده است. در روزهای اخیر نیز باران موشک‌ها و پهپادهای مقاومت روی شهرها و شهرک‌های رژیم فرومی ریزد.